

تحلیل گونه‌شناسی کودک آزاری و سازو کارهای حمایتی حاکم در برابر آن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

ام البنین قاراخانی دهسرخ

چکیده

جامعه پیشرفته بر پایه سازندگی و بر اساس عدالت، آزادی و شناخت واقعی حقوق انسان بنیان نهاده می‌شود. اولین عامل موفقیت توسعه و شکوفایی جامعه پیشرفته، تربیت و پرورش نونهالانی است که سازندگان واقعی فردای آن جامعه هستند. ما برای به‌وجود آوردن ایرانی آباد، آزاد و مستقل نیاز واقعی به تربیت و آگاه ساختن نیروی انسانی داریم که امروز اطفال هستند و فردا نیروی فعال برای پیشبرد هدف‌های مادی و معنوی کشور را تشکیل می‌دهند. از لحاظ مادی و معنوی ما از یک طرف به توسعه اقتصادی و از سوی دیگر به یک مدیریت علمی و معنوی پیچیده جهت اداره یک کشور توسعه‌یافته نیازمندیم. این خواسته فقط در سایه توجه داشتن به نیروی انسانی که امروز اطفال هستند و فردا سرمایه‌های اداره‌کننده کشور ما به‌شمار می‌آیند امکان‌پذیر خواهد بود. بی‌توجهی به سرنوشت اطفال امروز، توسعه و خودکفایی اقتصادی ما را در برنامه‌های آینده به خطر خواهد انداخت. کودک یک میوه نارس اجتماع انسانی است و هنوز در عرصه‌های مختلف جسمی، روانی، روحی و اجتماعی و تمامی بعدهای متصور برای انسان، به بلوغ و رسیدگی کامل نائل نگردیده است و همین نارسایی و بی‌تجربگی است که وی را در مقابل خطرات و آسیب‌های مختلف ضربه‌پذیر نموده است و یکی از این آسیب‌ها آزاردیدن کودک از سوی اطرافیان است. کودک آزاری





پدیده جدیدی نیست. این معضل همواره در طول تاریخ وجود داشته است، ولی از آغاز شناسایی این موضوع به صورت علمی بیشتر از چند دهه نمی گذرد.



واژگان کلیدی: کودک ، کودک ازاری، والدین ، انواع کودک ازاری

مقدمه

امروزه مطالعات گسترده‌ای در خصوص شناسایی و حل معضل کودک‌آزاری در حال شکل گرفتن است اما به علت بدیع بودن مفهوم آن هنوز به صورت عملی تعریف واحد و مشخصی از آن و رفتارهایی که در قلمرو کودک‌آزاری قرار می‌گیرد، ارائه نشده است. «سازمان جهانی بهداشت در گزارشی ضمن دعوت به ثبت و گزارش هماهنگ‌تر موارد خشونت علیه کودکان، اظهار داشت: «تعاریف متضاد نسبت به کودک و کودک‌آزاری، عدم تشخیص موارد کودک‌آزاری و تفاوت‌های نحوه گزارش‌دهی، مقایسه میان ملل را عملاً غیر ممکن می‌کند.» سازمان جهانی بهداشت در صدد است به توافقی درباره تعریف خشونت جسمی علیه کودکان دست یابد و مقاله‌نامه‌ای را در این ارتباط تهیه کند. این سازمان امیدوار است که چنین مقاله‌نامه‌ای به‌ویژه جهت گردآوری آمار مقایسه‌ای، توسط کارکنان بهداشتی مورد استفاده واقع شود.»^۱ پذیرش کنوانسیون حقوق کودک از طرف دولت ایران در ارتقای حقوق کودکان بی‌تأثیر نخواهد بود، گرچه دولت ایران، برخلاف کنوانسیون، حق شرط کلی مبنی بر این که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرارگیرد از طرف دولت ایران لازم‌الرعایه نیست، برای خود قایل گردیده است و از این نظر اجرای مفاد کنوانسیون و تعهد دولت را در این خصوص در تزلزل دائمی قرار داده است. امروزه مسامحه و سوء رفتار با کودکان از مشکلات اصلی کودکان محسوب می‌شود. آمار سوء رفتار با کودکان در کشورهای صنعتی حدود ۳۰۲ مورد در هر هزار نفر را نشان می‌دهد ولی در کشورهای در حال توسعه آمار چندانی در دسترس نیست. آمار و ارقام منتشر شده بیانگر آن است که ۱۴۵ میلیون کودک ۱۰-۱۴ ساله در دنیا به جای درس خواندن به کار اشتغال دارند و فقر مزمن در بسیاری از کشورهای جهان منجر به مرگ و میر کودکان و نوزادانی می‌شود که باید از این دوران

۱. ۲. لیدا فلاحی، «کودک‌آزاری» (پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۴)، به نقل از صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، «کودکان و خشونت»، نشریه اینوچنتی دایجست ۲، ۱۹۹۷.





زندگی خویش لذت ببرند. آمار مربوطه در این زمینه ۱۶۰ مورد مرگ‌ومیر در هر هزار نفر را در جهان نشان می‌دهد. طبق آخرین فهرست بین‌المللی ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی بهداشت در مورد سوء رفتار با کودکان که یونیسف آن را ارائه کرده است، در میان کشورهای صنعتی چکسلواکی سابق دارای بیشترین موارد گزارش‌شده و اسپانیا دارای کمترین مورد گزارش‌شده از سوء رفتار با کودکان بوده است.^۱ کودک‌آزاری مشکل پنهان بسیاری از کشورهای جهان است زیرا اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد و از طرف دیگر موضوع کودک‌آزاری موضوعی است که انکار می‌شود یا بیان آن توأم با شرم و خجالت است. طبق گزارش کمیته‌ی ملی پیشگیری از سوء رفتار با کودکان (NCPCA) در سال ۱۹۹۴، سه میلیون سوء رفتار و مسامحه در مورد کودکان دنیا به آژانس‌های خدمات اجتماعی گزارش شده است. اگرچه میزان واقعی بیشتر از این‌ها است. هم‌چنین، طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۹، حدود ۴۰ میلیون کودک ۰-۴ ساله در سراسر جهان در معرض رفتار کودک‌آزاری و غفلت والدین و یا مراقبت به نحوی که نیازمند استفاده از خدمات بهداشتی درمانی و اجتماعی است، بوده‌اند.^۲ کودک‌آزاری می‌تواند یک عامل خطر برای افسردگی، خودکشی، زیاده‌روی در مصرف الکل، احساس حقارت و... باشد و سبب بسیاری از جرایم گردد. نتایج بررسی‌ها و تحقیقاتی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، نشان می‌دهد که آزار و خشونت در دوران کودکی می‌تواند یک عامل خطر برای رفتارهای مجرمانه بعدی باشد. بررسی حقوقی و جرم‌شناختی کودک‌آزاری.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

مطالعه پیرامون هر موضوعی مستلزم شناخت مفاهیم و اصطلاحات موضوعات آن تحقیق برای روشن شدن نکات مبهم مباحث است. هم‌چنین هر تحقیقی با بیان مبانی و پیشینه

^۱ ر.ک: به معصومه معارف وند، «رابطه آزار کودکان توسط والدین با سرپرستان و بزهکاری کودک» (پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۸)، نقل از مجله اصلاح و تربیت، سال هفتم، ش ۷۷، ص ۴۷.

^۲ همان.



موضوعات خود، خواننده را به درک بهتری از موضوع می‌رساند که در این مبحث به این امر توجه شده است.

بند اول: کودک آزاری

کودک آزاری مرکب از دو کلمه کودک و آزار می‌باشد. کودک به معنای کوچک و صغیر^۱. آزار در لغت به معنای در آسیب، رنج و گزند می‌باشد. آزار در مفهوم به معنای اعمال یا گفتاری است که موجب ناراحتی و آسیب روحی و جسمی فرد می‌شود و اغلب موارد با پسوند اذیت آورده می‌شود^۲.

بند دوم: معنای اصطلاحی

کودک آزاری همانند دیگر مفاهیمی که در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریف روشن و دقیق ندارد و در میان اندیشمندان و صاحب نظران تعاریف متفاوتی از آن به چشم می‌خورد. این مسئله تا حدی ناشی از این واقعیت است که کودک آزاری پدیده‌ای چند بعدی است که ابعاد حقوقی، اجتماعی و روانشناختی دارد و هر صاحب نظری از چشم انداز خود به تعریف آن پرداخته است. در اینجا ابتدا، چند تعریف از کودک آزاری مطرح می‌شود و نهایتاً تعریف مورد استفاده در این پژوهش ارائه می‌گردد.

الف - در اصطلاح روانشناسی

از دیدگاه روانشناسی، کودک آزاری به اشکال گوناگون رفتاری اطلاق می‌شود که منجر به آزار جسمی، روانی، عاطفی و ذهنی کودک شده و در مراحل رشد طبیعی و سلامت کودک اختلال ایجاد نماید^۳. بنابراین از نظر آنان، کودک آزاری پدیده‌ایست نسبی که در فرهنگ‌های گوناگون مفهوم آن متفاوت است، به طوری که برخی از جنبه‌های رفتاری که نسبت به کودک در برخی فرهنگ‌ها طبیعی است در نگرش مردمانی با فرهنگ دیگر، می‌تواند نوعی کودک آزاری تلقی شود. دلیل این امر را باید در این دانست که هیچ معیار بین المللی برای تربیت کودک وجود ندارد. بنابراین، این که چه مسائلی از مصادیق کودک



آزاری است و ملاک تشخیص اهمال و سهل انگاری و غفلت والدین کدام است، قابل تعیین نیست.^۱ به نظر روانشناسان، نسبی بودن پدیده ی کودک آزاری و باورهای متفاوت فرهنگی نسبت به آن موجب می شود که نتوان تعریفی جامع و مانع از آن ارایه داد؛ به همین خاطر به نظر وی باید کودک آزاری را در هر فرهنگ و نظام حقوقی به طور جداگانه تعریف کرد. و بنا به تعریفی دیگر از آنان، بدرفتاری و آزار کودکان عبارتست از هر گونه بدرفتاری با کودکان یا افرادی که در سنین بلوغ به سر می برند، این بدرفتاری می تواند از طرف پدر و مادر یا محافظان کودک یا کسانی که مسئول مراقبت از او هستند صورت گیرد.^۲ البته باید خاطر نشان نمود که؛ کودک آزاری فورا ضرب و شتم را به ذهن شنونده متبادر می سازد، اما پدیده کودک آزاری طیف بسیار وسیع تر و عمده تری از ضرب و شتم و تنبیهات فیزیکی را در برمی گیرد و تنها شامل آزار فیزیکی نمی شود. ناخواسته بودن کودک (از نظر جنسیت یا بدون برنامه ریزی به دنیا آمدن او) به انضمام شرایط نامساعد خانوادگی منجر به کودک آزاری خواهد شد. در مجموع هر زمان که کودک نتواند از امکانات لازم برای رشد برخوردار شود به طور ضمنی مورد کودک آزاری قرار گرفته است.^۳ به عبارت دیگر، کودک آزاری هر گونه رفتاری است که منجر به آسیب روانی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی کودک شود و روند رشد کودک را مختل نماید.^۴

ب- در اصطلاح جرم‌شناسی

در حقیقت هر جایی که کودک نتواند از امکانات شایسته رشد خود برخوردار باشد به طور ضمنی مورد کودک آزاری قرار گرفته است. سوءاستفاده از کودکان به شکل استثمار کودکان در هر زمینه و بی توجهی به کودکان به هر صورت کودک آزاری محسوب می شود. در یک جمع بندی باید گفت: هر نوع کوتاهی و غفلت و یا ارتکاب هر نوع عملی که به نحوی به بهداشت و سلامت روانی و جسمانی کودک خطری برساند یا در آن خدشه وارد کند و مانع از رشد بهنجاری وی شود کودک آزاری قلمداد می شود.^۱ طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی کودک آزاری عبارتست از: "آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا



سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین و یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند.^۲ ”
 کودک آزاری یا سوء رفتار با کودکان تمام اشکال آزار جسمی و یا عاطفی، آزار جنسی و بهره‌کشی را در بر می‌گیرد که منجر به ایراد آسیب‌های بالفعل یا بالقوه بر سلامتی، بقاء، رشد یا مقام و منزلت کودک می‌شود و در حیطه یک رابطه مسئولیت، اعتماد و یا اعمال و اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. ” تعاریف متعددی در زمینه کودک آزاری ارائه گردیده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ” هرگونه آسیب جسمی یا روحی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر هجده سال توسط دیگر افراد و به صورتی که غیر تصادفی نباشد، کودک آزاری تلقی می‌گردد.^۳ ”

پ- در اصطلاح حقوقی

در حقوق ایران، تنها جایی که به تعریف کودک آزاری اشاره شده است ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ می‌باشد که اظهار می‌دارد: ” هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب می‌شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است. ” همچنین مواد ۳ و ۴ قانون مذکور، هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان، هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق و ... را ممنوع دانسته است؛ که هر یک از موارد فوق می‌تواند از مصادیق کودک آزاری باشد. بنابراین، مواد فوق مؤید این امر است که کودک آزاری در حقوق ایران به طور جامع تعریف نشده است و فقط قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - که تنها قانونیست که در جهت حمایت از اطفال بزه دیده در کشور ما وضع شده - به ذکر انواعی از آزار و اذیت کودکان پرداخته و آنها را ممنوع ساخته است. به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف اصطلاحی، می‌توان این تعریف را از کودک آزاری ارائه نمود: کودک آزاری عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث آزار جسمی و روحی کودک می‌شود این مسئله تنها مختص یک قشر



خاص یا طبقه خاصی از جامعه نیست. بلکه شامل تمام اقشار جامعه می‌شود: محروم کردن کودک از رفتن به مدرسه، زندانی کردن او برای مدتی طولانی در انبار یا حمام خانه و غذا ندادن به او از اشکال کودک آزاری محسوب می‌شود.

بخش دوم: انواع کودک آزاری

بر مبنای رویکرد ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری تحت چهار محور ذیل قابل تحقیق است:

بند اول: کودک آزاری جسمی

آزار جسمی کودک منجر به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه وی می‌گردد. این رفتار در حیطه رابطه مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. (بدین معنا که بیشتر توسط افرادی که اختیار و یا مسئولیت نگهداری کودک را بر عهده دارند و کودک نسبت به آنها اعتماد دارد صورت می‌گیرد). این رفتار به صورت عمدی و با سؤنیت خاص ورود صدمه به کودک و یا در نتیجه اعمال تربیتی و تأدیبی والدین که به منظور تنبیه کودک صورت می‌پذیرد، واقع می‌شود. از نظر میزان ارتکاب، آزار جسمی را می‌توان بعد از غفلت و بی‌توجهی یکی از شایع‌ترین شیوه‌های آزار کودکان به شمار آورد. از میان سه میلیون مورد گزارش کودک آزاری در سال ۲۰۰۱، بیش از ۹۰۳ مورد (حدود ۱۸ درصد) مربوط به آزار جسمی بوده است. ۱۳۰۰ کودک در سال ۲۰۰۱ به دلیل آزارهای جسمی جان خود را از دست داده‌اند.^۳ برخی مصادیق آزار جسمی عبارتند از: شلاق زدن، ضربه زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت کردن و هل دادن، خفه کردن، گاز گرفتن و ... آزار جسمی ممکن است به سلب حیات از کودک و یا معلولیت و نقص عضو دائمی طفل منجر گردد.

بند دوم: کودک آزاری عاطفی

آزار عاطفی به معنای قصور در فراهم نمودن محیط حمایتی مناسب برای رشد کودک می‌باشد چنین محیطی شامل مجموعه تعلقات و وابستگی‌های ابتدایی می‌شود که بر مبنای آنها



کودک این امکان را کسب می‌نماید تا شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی اش را متناسب با استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بروز دهد. رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیبی‌هایی را ایجاد می‌نمایند، در زمره آزار عاطفی قرار می‌گیرند. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل انکار طفل، محدودیت در حرکت، تحقیر کردن، سرزنش کردن، تهدید کردن، ترساندن، تبعیض گذاشتن، استهزاء کردن، یا دیگر آسیب‌های غیر جسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود^۱.

بند سوم: کودک آزاری جنسی

کودک آزاری جنسی عبارتست از درگیر نمودن کودک در فعالیت‌های جنسی‌ای که وی به طور کامل آن را درک نمی‌کند، ناتوان از ابراز رضایت آگاهانه است، یا کودک برای انجام آن به لحاظ رشدی آماده نیست و نمی‌تواند به آن رضایت دهد یا درگیر کردن کودک در فعالیت جنسی‌ای است که قانون‌ها و تابلوهای اجتماعی را نقض می‌کند. آزار جنسی طیف گسترده‌ای از رفتارها را در برمی‌گیرد. برخی از مصادیق این عمل بدین شرح است: اغوا نمودن و یا اجبار کودک به وارد شدن در هرگونه رفتار جنسی غیرقانونی، استفاده و بهره‌کشی از کودک در فحشا و دیگر رفتارهای جنسی غیرقانونی، استفاده از کودکان در تهیه مطالب هرزه‌نگاری و ... کودک آزاری جنسی معمولاً دارای پنج شاخصه و ویژگی اصلی است: ۱- کودک، معمولاً آن را دوست ندارد، ۲- ارضای جنسی فرد آزار دهنده هدف اصلی آزار است، ۳- در این رابطه یک تفاوت سنی و قدرتی وجود دارد که به طور مؤثری، رضایت معنادار از رابطه را از بین می‌برد، ۴- فعالیت جنسی معمولاً به صورت پنهانی و همراه با نقشه و توطئه قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند است، ۵- گاهی اوقات کودک به جهت نیاز شدید به حمایت فیزیکی و یا عاطفی و توجه و وابستگی، خود شخصاً به پذیرش و شروع این



رابطه و یا حفظ رابطه جنسی، تمایل نشان می‌دهد.^۳ هر چند به دلایل اخلاقی و حیثیتی به دست آوردن آمار قابل ارتکابی در زمینه شیوع کودک آزاری جنسی میسر نیست. لکن بر آورد سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از زنان و ۵ تا ۱۰ درصد از مردان در کودکی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. آثار مخرب بسیار شدید این نوع از کودک آزاری از یک سو و از سوی دیگر امتناع کودکان آزار دیده از افشای چنین وقایعی که اقدام به موقع برای درمان و رفع مخاطرات بعدی را غیر ممکن می‌کند بر عمق خطر این نوع کودک آزاری می‌افزاید.^۱

بند چهارم: کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی

بی‌توجهی و کوتاهی در فراهم نمودن لوازم رشد کودک در کلیه حوزه‌های سلامتی (بهداشتی)، آموزشی، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و منجر به بروز آسیب به سلامتی جسمی، روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی کودک می‌گردد و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر آسیب‌ها تا جایی که امکان پذیر است، کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی محسوب می‌شود. برخلاف سایر اشکال کودک آزاری که از نظر تئوریک، امکان ارتکاب آنها از سوی سایر اشخاص غیر والدین نیز متصور بود این گونه از کودک آزاری صرفاً توسط والدین و سایر سرپرستان قانونی قابل ارتکاب است. چرا که قصور در نگهداری کودک و تأمین نیازهای وی تنها تحت شرایطی امکان پذیر است که اشخاص مرتکب، مسئولیت نگهداری و یا تأمین نیازهای طفل را بر عهده داشته باشند.^۳ به گزارش ایسنا، براساس اعلام رضایی فر مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی، براساس آمار و تماس‌های برقرار شده با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی در سال ۱۳۹۱، ۴۹/۸ درصد از تماس‌ها در خصوص آزار جسمی کودکان، ۳۱/۳ درصد، ۱۲/۵ درصد مباحث روانی و ۲/۷ درصد نیز آزار جنسی بوده است.^۴



بخش سوم: حق تربیت کودک و کودک آزاری

یکی از حقوقی که قانونگذار در راستای تربیت اطفال مقرر نموده است، «حق تنبیه طفل» می‌باشد. ماده ۱۱۷۹ق.م مقرر می‌دارد: «ابوین حق تنبیه طفل را دارند، ولی با استناد به این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.» «عده‌ای از حقوقدانان در مقام توجیه ماده فوق گفته‌اند: حق تربیت متضمن اختیار در تنبیه است. قانونگذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به‌دقت معین سازد و مرز مجازات مباح کودک را رسم کند. پس ناچار بایستی از عرف یاری گیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباحه هرگونه تنبیه قرار دهد. همین اندازه می‌توان گفت که تمایل عمومی بر سبک کردن کیفرهای مباح و لزوم آمیختن آن با ملاحظت است^۱. مسأله دیگری که در مورد مقررات مزبور به تربیت اطفال قابل انتقاد است، از جهت ضمانت اجراست. در زمینه تربیت کودکان ضمانت اجرای این تکلیف بیشتر جنبه اخلاقی دارد و برای مسامحه و غفلت والدین در خصوص تربیت عمومی، ضمانت اجرای مادی و حقوقی خاصی پیش‌بینی نشده و در مورد تعلیمات خاص نظیر تحصیل و سوادآموزی اطفال و تعلیمات اجباری آنان نیز با وجود پیش‌بینی جزای نقدی و مجازات حبس، اجرای مجازات چندان جدی تلقی نگریده است. حتی برای مسامحه ابوین در فراهم ساختن زمینه آموزش حرفه‌وفن مقرراتی وجود ندارد. و در حال حاضر در دنیای کنونی بی‌توجهی دولت نسبت به این امر مهم قابل ایراد است^۲.

بخش چهارم: قوانین کیفری و نقش آن در زمینه سازی کودک آزاری

بند اول: تنبیه بدنی و کودک آزاری

ماده ۱۱۷۹ق.م اشعار می‌دارد: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند و به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب و تنبیه نمایند.» همچنین ماده ۱۵۸ ق.م. ا بیان

^۱. سعید مدنی، همان، ص ۲۷۷.

^۲. رجوع کنید به دکتر صفایی و امامی، همان، ص ۳۵۷.



می‌دارد: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شوند: ۱- اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود. مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد...». منظور از والدین، پدر و مادر طفل است که قانوناً با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند. بنابراین نامادری و ناپدری از شمول این ماده خارج‌اند. اولیای قانونی به پدر و جد پدری، وصی منصوب از طرف یکی از آنها و نیز به قیم گفته می‌شود. مراد از سرپرستان زن و شوهرانی هستند که با توافق یکدیگر کودکی را با تصویب دادگاه و به موجب قانون (قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ۱۳۵۳) به سرپرستی پذیرفته‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود که بند ۱ ماده ۵۹ ق.م.ا.برخلاف ماده ۱۱۷۹ ق.م.ا. حق تنبیه و تأدیب اطفال را علاوه بر ابویین به سایر اولیای قانونی و سرپرستان صغار نیز توسعه داده است. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ۱۳۸۱ علاوه بر تعریف کودک آزاری در ماده ۳، به عنوان یکی از مصادیق کودک آزاری از هر گونه آزار و آسیب و شکنجه جسمی و روحی کودک نام برده شده است. از نکات جالب توجه دیگر این طرح این است که تمام افراد و موسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی اطفال را برعهده دارند مکلف به گزارش موارد کودک آزاری به مقامات قضایی در صورت مشاهده می‌باشد.^۱ طرح فوق در ۸ مورد از طرف شورای نگهبان خلاف شرع و قانون اساسی دانسته شد و در یک مورد حقوقدانان شورای نگهبان معتقد بودند که اجبار تبصره ماده ۸ در مورد گزارش کودک آزاری را در مورد پدر و مادر نمی‌توان پذیرفت و این موضوع از نظر شرعی مشکل دارد، چون اعضای شورای نگهبان «تنبیه کودک» را حق والدین می‌دانند نهایتاً نیز مجلس در برابر نظر شورای نگهبان تسلیم گردید و با تصویب ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، چنین مقرر داشت: «اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱۴/۱۹ از شمول این قانون مستثنی است.» بدین ترتیب

^۱. رجوع کنید به ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان.



ملاحظه می‌گردد قانونگذار با استثنا نمودن اقدامات تربیتی والدین، اولیاء و سرپرستان صغار که شامل تنبیه بدنی و تأدیب کودکان نیز می‌شود آنها را از شمول قانون فوق که درصدد مجازات کسانی است که با کودکان بدرفتاری می‌نماید و موجبات سوءاستفاده از آنها را فراهم می‌نماید، استثناء کرده است.

بند دوم: عدم جرم‌انگاری ممانعت از ملاقات کودک با اشخاص ذیحق و کودک‌آزاری

در صورت جدایی والدین کودک به‌علت طلاق یا به‌هر جهت دیگر، هر یک از والدین که کودک تحت حضانت او نمی‌باشد، حق ملاقات با طفل خود را دارد. تدوین‌کنندگان طرح حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای تدوین حق ملاقات کودک در ماده ۱۱ طرح فوق به این مورد اشاره کرده‌اند. قسمت انتهایی ماده بیان می‌دارد که: «کسانی که مانع ملاقات کودک شوند و از اجرای حکم دادگاه ممانعت کنند به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و سلب حق سرپرستی محکوم خواهند شد.» ماده فوق در تصویب نهایی این قانون در آذرماه ۸۱ حذف گردید و بدین ترتیب در خصوص ما نحن فیه الزام قانونی و ضمانت اجرایی وجود ندارد و از آنجاکه این خلأ امکان سوء استفاده هریک از والدین که حضانت کودک با اوست را بیشتر می‌کند و اینکه ارتباط عاطفی با پدر و مادر از حقوق اولیه کودک به حساب می‌آید، لذا این امر زمینه را برای بروز پدیده کودک‌آزاری فراهم می‌نماید.

بند سوم: ازدواج غیر قانونی با طفل و کودک‌آزاری

اگر شخصی بدون رعایت مقررات قانونی با طفلی ازدواج نماید، این ازدواج به لحاظ وضعیت خاص جسمانی طفل منتج به آثار زیان‌باری بر طفل می‌گردد و به واقع نوعی کودک‌آزاری است. قانونگذار درصدد حمایت از کودکان در برابر ازدواج غیرقانونی با آنان برآمده است و البته این جرم‌انگاری فقط در مورد اطفال مونث پیش‌بینی گردیده است. ماده ۶۴۶ ق.م.ا به‌عنوان عنصر قانونی جرم فوق مقرر می‌دارد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنان‌چه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده، برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱



قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.» بر اساس ماده ۱۰۴۱ ق.م. «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.» براساس تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.» ماده ۱۰۴۱ ق.م در سال ۱۳۷۰ اصلاح گردید. قبل از اصلاح براساس مصوبه ۱۳۱۳ چنین مقرر می‌داشت: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است معذالک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعمال شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناث داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام دارند و به ذکوری شامل می‌گردد که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند.» ماده ۱۰۴۱ ق.م اصلاحی ۱۳۷۰ در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، نسخ گردید و مقرر ذیل جانشین آن شد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» نکته‌ای که باید اشاره نمود این است که هر چند اصلاح ماده ۱۰۴۱ ق.م و افزایش سن ازدواج دختران، گامی مهم برای جلوگیری از ورود آسیب‌های روحی و جسمی نسبت به اطفال بر اثر ازدواج قبل از بلوغ جسمی و روحی تلقی می‌گردد، اما هنوز هم تا حدود زیادی به معیارهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و بین‌المللی فاصله دارد چرا که اگر دختران ۱۳ ساله در جامعه امروزی آمادگی جسمی و جنسی برای ازدواج را داشته باشند ولی آیا از آمادگی روحی و روانی لازم در این زمینه نیز برخوردارند؟ طبیعتاً پاسخ منفی است.^۱

بند چهارم: هزینه‌نگاری و کودک‌آزاری

یکی از نتایج فرعی سوء استفاده جنسی از کودکان و به‌ویژه سوء استفاده جنسی سازمان‌یافته، انتشار تصاویر قبیح از کودکان است. در قوانین کیفری ایران ماده ۶۴۰ ق.م.ا.

^۱. سعید مدنی، همان، ص ۳۱۷.



در زمینه هرزه‌نگاری قابل توجه است. بر اساس ماده فوق «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

۱- هر کس نوشته یا طرح، گراور و نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم و فیلم، نوار و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاقی عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت توزیع یا به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد. «در بند دوم هم به کسانی که اشیاء مذکور را صادر یا وارد کنند و... در بند سوم هم به کسانی که اشیاء فوق را منتشر نمایند و... در بند چهارم به کسانی که برای تشویق به معامله اشیای مذکور، فاعل یکی از اعمال ممنوعه یا محل به دست آوردن آن را معرفی نمایند، اشاره دارد.» در قانون فوق هیچ اشاره‌ای به استفاده از اطفال در هرزه‌نگاری نشده است و در واقع به جرم انگاری خاص در این زمینه مبادرت نورزیده و یا به تشدید کیفر مرتکبان عمل فوق اقدام ننموده است که این مسأله با توجه به حساسیتی که در خصوص اطفال در زمینه‌های روحی و عاطفی ایشان وجود دارد و بی‌اعتنایی به آن با توجه به عدم رشد و بلوغ فکری ایشان که آنها را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد، می‌تواند زمینه سوء استفاده جنسی از اطفال را در هرزه‌نگاری فراهم نماید.

بخش پنجم: اسناد بین‌المللی در حمایت از کودکان و مقابله با کودک‌آزاری

حقوق کودک و وظایفی که والدین و سرپرستان در قبال تربیت و پرورش و محافظت از وی برعهده دارند و همچنین اهمیت و جایگاه والای خانواده، به علت نقش اساسی این نهاد در رشد و تعالی افراد، در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. اسناد بین‌المللی ناظر بر اطفال بزه‌کار که از سوی سازمان ملل متحد تدوین گردیده است، مهمترین تحول در عدالت کیفری صغار و دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود. این اسناد غالباً توصیه‌ای و غیرالزامی می‌باشند و کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند الزام‌آور در خصوص حقوق کیفری کودک است که قریب به اتفاق کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران (در



سال ۱۳۷۲) به آن پیوسته‌اند. در اینجا به‌طور مختصر به اسناد الزام‌آور و توصیه‌ای سازمان ملل متحد در خصوص کودک اشاره می‌شود. این اسناد یا اسناد عام حقوق بشر هستند که موادی مرتبط با کودکان دارند و یا اسناد خاص مرتبط با کودکان هستند:

بند اول: اسناد عام حقوق بشر در مقابله با کودک‌آزاری

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸^۱ (از جمله بند ۳ ماده ۱۶، بند ۲ ماده ۲۵، بند ۳ ماده ۲۶)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶^۲ (از جمله بندهای ۱ و ۵ ماده ۶، بند ۴ ماده ۱۸، بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲۴) و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳ (از جمله بندهای ۱ و ۳ و ۴ ماده ۱۰، بند ۲ ماده ۱۲) سه سند بنیادین و عام حقوق بشر و در واقع «منشور جهانی حقوق بشر» هستند که بر حقوق کودکان تأکید ورزیده‌اند.

بند دوم: اسناد خاص حقوق بشر در مقابله با کودک‌آزاری

۱. اعلامیه حقوق کودک (۱۹۲۴)^۴

این سند اولین سند مرتبط با کودکان است که در ۵ اصل در سال ۱۹۲۴ توسط جامعه ملل در ژنو تصویب شد. این اعلامیه بدون اشاره به سن کودکی یا مسئولیت کیفری، در بند دو توصیه کرده بود که «کودک بزهکار باید از بازپروری متناسب برخوردار شود» و در بند پنج اعلامیه توصیه شده بود: «کودک باید چنان تربیت شده و رشد کند که بداند مسئول است.»

1. The Universal Declaration On Human Rights, UN. DOC. A/Res/ 217 Desember 10 (III) 1948.

2. The International covenant on Economic, Social and Cultural Rights , UN. Doc. A/Res/2200A (XXI) t 16 December 1996.

3. The International Covenant on Civil and Political Rights, UN. Doc. A/RES// 2200 A(XXI), 16 december 1996.

4. Declaration on the Rights of the Child, 1924.



۱.۲. اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹)^۱

این اعلامیه به‌عنوان اولین منشور دربر دارنده حقوق اساسی کودک، متشکل از ده ماده است و به پیشگیری اجتماعی و غیر کیفری از بزهکاری کودکان پرداخته است. در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ خورشیدی) «اعلامیه حقوق کودک» مشتمل بر ۱۰ ماده به تصویب سازمان ملل متحد رسید و برخی حقوق را بر اعلامیه ۱۹۲۴ اضافه نمود. اما در خصوص حقوق کیفری اطفال و نوجوانان مقررہ جدیدی وضع نکرد.

۳. حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن)^۲

نتیجه کنگره ششم سازمان ملل در سال ۱۹۸۰، هدایت کمیته پیشگیری از جرم و مبارزه با بزهکاری به تدوین اصول راهبردی در زمینه عدالت کیفری اطفال از دو منظر شکلی و ماهوی بود. در این راستا پیش‌نویس این اصول در اجلاس بین منطقه‌ای تدارکاتی برای کنگره هفتم که در سال ۱۹۸۴ دربارۀ «جوانان، جرم، عدالت» در بیجینگ (پکن) برگزار شد، مورد بررسی نهایی قرار گرفت و تحت عنوان «مجموعه قواعد حداقل ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال» یا قواعد پکن در کنگره هفتم (۱۹۸۵) طرح و پذیرفته شد و بر اساس توصیه این کنگره در قالب قطع‌نامه‌ای در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۳ به تصویب مجمع عمومی رسید. این سند مشتمل بر سی‌ماده است و در سال ۱۹۸۹ برای یادآوری و تأکید در مورد مقررات قواعد مذکور، قطعنامه‌ای در ده‌ماده با عنوان «مجموعه قواعد حداقل ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال» به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسید.

1. Declaration on the Rights of the Child, UN. Doc. A/Res. 1386 (XIV), 20 November 1959.

2. United Nation Standard Minimums Rules for the Administration of Juvenile Justice, 1985.



۴. قواعد ملل متحد درباره حمایت از اطفال محروم از آزادی^۱

پس از کنگره ششم، کنگره هفتم با تأکید بر قواعد قبل، در قالب قطع‌نامه شماره ۲۱ به ضرورت تنظیم قواعدی برای حمایت از کودکان و نوجوانانی که به دلیل تعقیب یا محکومیت، بازداشت شده یا در حبس به سر می‌برند، توجه کرد و مأموریت تنظیم این قواعد و بررسی قواعد آن در کنگره هشتم اجرا و نهایی شد و این قطعنامه که متشکل از ۸۷ ماده بود، طی شماره ۴۵/۱۱۳ چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب رسید. مقدمه این سند، هدف از تصویب آن را نگرانی از شرایط و موقعیت نوجوانان محروم از آزادی در مقابل سوء استفاده، بزه‌دیدگی و نقض حقوق می‌داند و از «کمیته پیشگیری و مهار جرم» می‌خواهد که ضوابط اجرای مؤثر مقررات را با مساعدت سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با بزه‌کاران، تنظیم و تدوین نماید.

۵. اصول راهبردی ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال^۲

تکلیف مندرج در مقدمه سند مربوط به قواعد راجع به حمایت از اطفال محروم از آزادی، مبنای تنظیم سند دیگری برای پیشگیری از بزهکاری اطفال بود. البته اقدام‌های پیش از آن از جمله تصویب قطعنامه شماره ۴۰/۳۵ (۱۹۸۵) مجمع عمومی که تدوین قواعد ویژه پیشگیری از بزهکاری اطفال را مدنظر قرار داد، نباید از نظر دور داشت. براین اساس کمیته پیشگیری از جرم و مبارزه با بزهکاری که متعاقباً در قالب کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری قرار گرفت، به تدوین سند موضوع بحث پرداخت. این سند به‌علت محل برگزاری اجلاس نهایی در شهر ریاض، عنوان سند ریاض را کسب کرد. رهنمودهای ریاض متشکل از شصت و شش ماده است و بخش عمده‌های آن به پیشگیری غیر کیفری اختصاص دارد، اما بخش ششم آن تحت عنوان قانون‌گذاری و دادرسی ویژه نوجوانان به‌طور عمده رهنمودهایی

1. United Nations Rules for the Protection of of Juvenile Deprived of their Liberty, 1990.

2. United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, 1990.



را به کشورهای عضو در جهت اصلاح و تکمیل مقررات داخلی خود در جهت اجرای هدف پیشگیری کیفی ارائه داده است.

۶. کنوانسیون حقوق کودک^۱

پیمان حقوق کودک به‌عنوان مهم‌ترین سند خاص بین‌المللی در این حوزه در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ پس از تصویب ۲۰ کشور لازم‌الاجرا شد و در مدت کمتر از ۴ سال، بیش از ۱۵۰ کشور این سند را به‌عنوان حداقل استاندارد بین‌المللی در زمینه حقوق کودک پذیرفتند و در حال حاضر جز دو کشور ایالات متحده آمریکا و سومالی، که صرفاً به امضای پیمان‌نامه بسنده کرده‌اند، سایر کشورهای جهان متعهد به این سند هستند. مواد ۳۷ و ۴۰ این معاهده به‌طور ویژه به حقوق کیفی اطفال از جمله دادرسی ویژه آنان پرداخته‌اند. کنوانسیون حقوق کودک تنها معاهده الزام‌آوری است که دولت‌های عضو را متعهد به انطباق قوانین داخلی خود با مقررات این معاهده می‌نماید. پیمان‌نامه حقوق کودک اولین سند حقوق بشری است که پس از انقلاب در سال ۱۳۶۹ توسط دولت جمهوری اسلامی امضا شد، در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و ده روز بعد (۱۳۷۲/۱۲/۱۱) به تأیید شورای نگهبان رسید. و از تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۷۳ (برابر ۱۲ آگوست ۱۹۹۱) برای ایران لازم‌الاجرا شده است. جمهوری اسلامی ایران، هنگامی امضای پیمان‌نامه (۱۳۶۹/۶/۱۴) با بیان شرطی کلی اعلام نمود: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، اعلام حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب چنین حق شرطی را اعلام نماید». شورای نگهبان، در فرایند تصویب، طی نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را بدین شرح بیان کرد: «بند ۱ ماده ۱۲ و بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳ و بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴ و بند ۲ ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۲۹ مغایر موازین شرع شناخته شد». ولی مجلس، بدون توجه به این

^۱. Convention on the Rights of the child, 1989.



نظریه، و با تغییری در عبارت، همان شرط کلی را تصویب کرد. با این کیفیت می‌توان تصویری از مواردی که توسط شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شده و سایر موارد که مغایرتی با شرع ندارد، در دست داشت و جالب اینجاست که غالب مواد کنوانسیون بویژه مقررات مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان از نظر شورا مغایرتی با احکام شرعی ندارند.

نتیجه گیری

پدیده کودک‌آزاری تنها یک جرم نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی است و در واقع جنبه‌های اجتماعی این موضوع در وقوع و تحقق آن مؤثر می‌باشد و نباید آن را تنها متأثر از اراده فرد مجرم دانست، بلکه ممکن است متأثر از مجازات یا عوامل اجتماعی باشد و مهمترین مسأله در ارتباط با این جرم اهمیت به جنبه‌های پیشگیرانه این جرم است که مهمتر از مجازات مجرم می‌باشد. به موجب بررسی‌های جرم‌شناختی، آزار و اذیت کودکان پیامدهای گوناگونی دارد، از جمله اینکه احتمال بزهکاری نوجوانانی که مورد آزار یا بی‌توجهی واقع می‌شوند، افزایش می‌یابد. تنبیه بدنی یک عامل خطر برای افسردگی، خودکشی، زیاده‌روی در مصرف الکل، سوء استفاده جسمی از کودکان در بزرگسالی است. تحت تأثیر افکار در مقابل پدیده کودک‌آزاری، حمایت‌های بین‌المللی و همچنین بر مبنای نتایج تحقیقات علمی که توسط دانشمندان صورت گرفته است، بسیاری از دولتها قوانینی در جهت ممنوع‌بودن تنبیه و آزار کودکان در خانواده و مؤسسات آموزشی تصویب نموده‌اند. با بررسی قوانین فعلی کشورمان ایران می‌توان به این نکته اذعان نمود که اقدامات خوبی در زمینه حمایت از کودکان صورت گرفته است و شرع انور اسلام و بعضاً مقررات بین‌المللی نیز در این زمینه پوشش‌های خوبی ارائه نموده‌اند، ولی با این وجود خلأهایی در قوانین حقوقی و کیفری وجود دارد که یا زمینه را برای بروز پدیده کودک‌آزاری بازمی‌گذارد و یا خود مصداقی از این پدیده می‌شود. و لذا بازبینی مجدد قوانین از این حیث کمک قابل توجهی به استحکام جایگاه اطفال در اجتماع می‌نماید. با توجه به وسعت دامنه مورد بحث مجبور به قید کلیات و مرور کلیه قوانین ولو به اختصار شدیم و نتوانستیم قوانین جزئی دیگر را نیز مورد کنکاش قرار



دهیم. در مجموع با توجه به تحقیقات مختصر صورت گرفته راهکارهایی به نظر می‌رسد که ذکر آن در این مجال خالی از لطف نیست.

۲. راهکارها

- ۱- برنامه‌ریزی جهت ارتقاء آگاهی عمومی در جهت شناسایی پدیده کودک‌آزاری از جمله تنبیه بدنی و پیامدهای آن.
- ۲- بازنگری قوانین موجود و تدوین مقررات جدید به منظور مقابله با پدیده کودک‌آزاری از جمله تنبیه بدنی و حمایت از قربانیان کودک‌آزاری.
- ۳- تجدیدنظر در قوانین خانواده در جهت تحکیم بنیان خانواده و حمایت از زنان و کودکان در مقابل پدیده کودک‌آزاری.
- ۴- ایجاد نهادها و سازمان‌هایی به صورت دولتی و غیردولتی در جهت مقابله با پدیده کودک‌آزاری و حمایت از قربانیان این پدیده.
- ۵- ایجاد احساس مسئولیت افراد جامعه در قبال پدیده کودک‌آزاری از جمله تنبیه بدنی و در دسترس بودن مراجعی که افراد در صورت مشاهده پدیده کودک‌آزاری به آن مراجعه و موضوع را گزارش نمایند. برقراری خط یا خطوط ویژه تلفن می‌تواند جهت گزارش موارد کودک‌آزاری مفید باشد.
- ۶- ارتقاء آگاهی والدین و افرادی که به نوعی مسئولیت حفاظت و نگهداری و تربیت کودکان را برعهده دارند، در زمینه مسئولیت‌های خود و حقوق کودکان.
- ۷- ارتقاء آگاهی کودکان در مورد حقوق خود.
- ۸- تشکیل کمیته ملی مبارزه با کودک‌آزاری.
- ۹- همکاری بین سازمان‌های مختلف برای پیشگیری از کودک‌آزاری و ایجاد نظام گزارش‌دهی اجباری.



- ۱۰- اعطای اختیارات ضابطین قضایی به مددکاران سازمان بهزیستی در مواردی که جرمی علیه کودکان اتفاق می‌افتد.
- ۱۱- افزایش مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور مربوط به کودک آزاری.
- ۱۲- اصلاح خط تلفن ویژه برای استفاده کودکان قربانی آزار.
- ۱۳- اصلاح قوانین و تغییر سن ازدواج دختران به ۱۸ سال.
- ۱۴- ایجاد مرکز مشورتی و ارشادی برای مرتکبین و قربانیان کودک آزاری.
- ۱۵- آموزش عمومی پیرامون حقوق کودک و پیشگیری از کودک آزاری.





منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم.

- ۲- آنسل، مارک. **دفاع اجتماعی**. ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۳- ارجمندانش، جعفر. **فرهنگ اصطلاحات حقوق جزای اسلامی**. بناب: انتشارات اعظم، ۱۳۷۸.
- ۴- اعزازی، شهلا. **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
- ۵- امامی، حسن. **حقوق مدنی**. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۱.
- ۶- جابرعربلو، محسن. **فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی**. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۷- جزیری، عبدالرحمن. **الفقه علی المذهب الاربعه**. [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. **ترمینولوژی حقوق**. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۹- حر العاملی. **وسائل الشیعه**. جلد پانزده، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- ۱۰- سیاح، احمد. **فرهنگ بزرگ جامع نوین**. ترجمه المنجد، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ نهم، ۱۲۹۸.
- ۱۱- صانعی، پرویز. **حقوق جزای عمومی**. جلد اول، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۲- صانعی، پرویز. **حقوق و اجتماع**. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۳- صدیق، عیسی. **تاریخ فرهنگ ایران**. جلد هفتم، تهران: چاپخانه زیبا، ۱۳۵۴.



- ۱۴- صفایی، حسین؛ اسدالله امامی. **مختصر حقوق خانواده**. تهران: نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.
- ۱۵- عباچی، مریم. **حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد**. جلد اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
- ۱۶- عبادی، شیرین. **نگاهی به مسائل حقوق کودکان در ایران**. جلد اول، تهران: انتشارات کانون، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۱۷- عمید، حسن. **فرهنگ فارسی عمید**. جلد اول، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸.
- ۱۸- کاپلان، هاروارد؛ سادوک، بنجامین. **خلاصه روانپزشکی**. جلد چهارم، ترجمه: نصرت‌اله پورافکاری، تبریز: انتشارات تابش، ۱۳۶۹.
- ۱۹- کاتوزیان ناصر. **حقوق مدنی خانواده**. جلد اول، تهران: انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۷.
- ۲۰- **دوره مقدماتی حقوق مدنی و خانواده**. تهران: موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۵.
- ۲۱- کار، مهرانگیز. **ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران**، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۲- کی‌نیا، مهدی. **مبانی جرم‌شناسی**. جلد دوم، تهران: انتشارات یلدا، ۱۳۷۵.
- ۲۳- مدنی، سعید. **کودک‌آزاری در ایران**. تهران: انتشارات اکنون، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲۴- مدیرنیا، سید جواد. **حضانة اطفال در حقوق مدنی ایران، اسلام و فرانسه**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۳.
- ۲۵- معین، محمد. **فرهنگ فارسی**، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۲.